

چهارشنبه، شانزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۷

گفتگوی داریوش فروهر با علیرضا میبیدی، گزارشگر رادیو بیست و چهار ساعته‌ی صدای ایران از لس آنجلس

گزارشگر: جناب فروهر، سلام. آیا می‌شود گفت که یک تحول بزرگ در ایران در حال روی دادن است، با توجه به حوادثی که در مملکت می‌گذرد؟ نیوزویک را دیدم که نوشته بود استبداد مذهبی در حال مرگ است. این یک ادعاست یا واقعیت است؟

داریوش فروهر: حقیقت این است که از آنچه که درون سردمداران جمهوری اسلامی می‌گذرد و برخوردهایی که پدید آمده می‌شود چنین برداشتی داشت که آن یک‌هتازی فراگیر دچار رخنه‌هایی شده و می‌رود به سوی به‌هم‌ریختگی؛ اما اینکه به مرگ نزدیک شده باشد، هنوز چنین نشانه‌هایی من نمی‌بینم.

گزارشگر: آقای فروهر، سخنان اهانت‌بار یک سرلشکر پاسدار، آقای صفوی، یک غوغایی در ایران به پا کرده است. ایشان آماده‌ی عذرخواهی دارد می‌شود. می‌شود ادعا کرد که هموطنان ما در درون کشور، که تا حالا به حساب نمی‌آمدند در محاسبات سیاسی، دارند دوباره قدرت ملی خودشان را تجدید می‌کنند تا جایی که افرادی که صاحب قدرت هستند و ادار به عذرخواهی می‌کنند؟

داریوش فروهر: بی‌شک مردم جهت‌گیری برای به مرگ کشاندن این استبداد جمهوری اسلامی را آغاز کرده‌اند و هر چالشی را که در این زمینه می‌شود می‌توانند واکنش درست نسبت به آن نشان بدهند؛ اما نشانی از اینکه ایشان یا سپاه پاسداران در راستای عذرخواهی قرار گرفته‌اند ندیدم. ممکن است به آنجا بکشد؛ ولی جریان این بود که سخنانی که به ایشان نسبت داده شد یکی دو روز کوشش شد پنهان نگه داشته شود، سپس در یکی دو روزنامه بازتابی پیدا کرد و بعد شد مثل همه‌ی بازی‌هایی که در کشمکش جناحی هست. خبرگزاری جمهوری اسلامی، که از هر کاهی کوهی می‌سازد، در این مورد خاموشی گزید و هیچ یک از سردمداران این جمهوری اسلامی، حتی آن‌هایی که در این گفتار مورد حمله قرار گرفته بودند، کوچکترین واکنشی نشان ندادند؛ و گویی هیچ وظیفه‌ی قانونی برای روشنگری پیرامون این سخنان همراه با اُلُروم و بلدرم ندارند؛ و سرانجام، روز یکشنبه، بیانیه‌ی روابط عمومی سپاه پاسداران منتشر شد که، در آن بیانیه، که خشن هم بود، حمله‌های تازه‌ای هم داشت، سخنان سردار سرلشکر پاسدار صفوی را انعکاس تحریف‌شده و ناقص و مخدوش مذاکرات یک جلسه‌ی محرمانه‌ی فرماندهان سپاه حول مباحث امنیتی کشور تلقی کرد. این بیانیه، همان طور که گفتم، نه نشان از تکذیب این سخنان داشت و نه نشان از تأییدش و باز حمله‌هایی هم کرده بود. همان طور که می‌بینید، محرمانه تلقی می‌کرد این موضوعات را و جای پرسش زیاد پدید می‌آورد. نخست اینکه این چه دستگاهی است که راز در پرده نگه‌داشته‌ی، به گفته‌ی خودشان، طبقه‌بندی‌شده‌اش به زبان مردم می‌افتد یا موجب قلم‌فرسایی رسانه‌های همگانی نوشتاری می‌شود؟ و بعد این موضوع به هر حال به‌سادگی نمی‌شود از کنارش گذشت با یک چنین توضیحی. دیروز هم جانشین ایشان، سردار سرتیپ ذوالقدر، توضیحاتی داده‌اند، اما همراه با قلدری؛ و من هیچ نشانی از عقب‌نشینی، که ضرورت قطعی دارد، ندیدم که، اگر این سخنان به‌راستی ادا شده باشد، بسیار بسیار خطرناک است و حتی چنین برداشتهایی در گمان یک فرمانده نظامی برای کشور خطرناک است.

گزارشگر: آیا این سخنانی که ایشان ادا کرده نشانه‌ی ترس از تحولات است؟ برخی هم می‌گویند ممکن است

نیروهای ارتجاعی و طالبان‌های ایرانی دست به کودتا بزنند.

داریوش فروهر: به هر حال، من، پیش از اینکه به‌راستی عین این سخنان - که حالا دیگر نمی‌شود گفت محرمانه بوده، برای اینکه بخش‌های دست‌وپاشکسته‌اش به دست همه افتاده - اعلام نشود، داوری پیرامونش را چندان درست نمی‌دانم. اما گفتم آنچه که طرح شده است این زمینه‌ها را هم نشان می‌دهد که ممکن است کسانی در اندیشه‌ی این باشند که برای جلوگیری از واکنش مردم نسبت به یکه‌تازی فراگیر، که حالا در آستانه‌ی پانزده سال قرار می‌گیرد - به هر حال پیش از خرداد ۱۳۶۰ را یکه‌تازی فراگیر آن چنان که بعد بود نمی‌دانم - بخواهند کارهای سرکوبگرانه‌ای انجام بدهند. این، اگر نامش را «کودتا» بگذارید، بی‌شک در این راستاست که می‌خواهد سرکوبگری گذشته را از سر بگیرد و من فکر نمی‌کنم مردم چنین موضوعی را تحمل کنند؛ و چه‌بسا اگر چنین کوشش‌هایی انجام بگیرد، نظام جمهوری اسلامی در پیرو این کارهای نسنجیده زودتر به وادی نیستی کشانده شود.

گزارشگر: بنابراین، از دید شما، مردم دیگر اجازه نمی‌دهند که دست راستی‌های مذهبی برای بازگرداندن وضع گذشته یک حرکت غافلگیرکننده انجام بدهند؟

داریوش فروهر: بله، بله، من فکر می‌کنم مردم به هر حال آماده هستند. وضع گذشته در پیش نیست که ببرند و بکشند و به زندان بیفکنند و واکنشی نداشته باشد. الان ببینید، از دو ماه پیش تا حال، شهر نجف آباد سه بار به اعتصاب‌های دو روز و سه روز کشیده شده، برای واکنش نشان دادن نسبت به حصر خانگی یکی از مرجع‌های تقلید؛ و خوب عقب‌نشینی‌هایی هم در دستگاه بود و فشارهایی که روی آیت‌الله العظمی محمد شیرازی بوده، که درس ایشان را به هم می‌زدند و رساله‌هایشان را اجازه پخش نمی‌دادند، حالا بهتر شده یا آیت‌الله العظمی صادق روحانی، که در سیزده سال گذشته دچار حصر خانگی بوده، از روز شنبه بیست‌ونهم فروردین پاسدارها را از آنجا برداشته‌اند و ایشان آزادی عمل پیدا کرده و نسبت به آیت‌الله العظمی حسینعلی منتظری هم تغییراتی به چشم می‌خورد. این نتیجه‌ی پایداری مردم است؛ و یا هر روز در یک گوشه‌ای، در یک دانشکده، در یک کارخانه، اعتراض و تحصن است؛ چون به‌طور کلی وضع کشور دیگر تحمل‌پذیر نیست. همین دیروز، بی‌شک شنیدید که یک جوان نوزده‌ساله را، که داشته دست‌فروشی می‌کرده و از شدت بیکاری باقلا می‌فروخته و چند روز پیش از آن بساطش را غارت کرده بودند، گماشتگان شهرداری به‌دنبال او می‌افتند و، در نزدیکی پل سیمان، او از وانت می‌افتد و کشته می‌شود و بلافاصله مردم دو طرف جاده‌ای را که به کرج می‌انجامیده می‌بندند و چند ساعت تظاهر با شعارهای خیلی تند و همه را، همه‌ی سردمداران جمهوری اسلامی، به‌ویژه شهردار کلان‌شهر تهران، را زیر حمله می‌گیرند و، بعد از چند ساعت، با کوشش به هر حال سنجیده‌ی یک فرمانده نیروی انتظامی، آن موضوع پایان می‌گیرد. هر روز، در یک گوشه، یک هیجان و یک حرکت و یک اعتراض هست. بنابراین باید نسبت به پایان این نمایش‌های برخاسته‌ازمیان‌مردم امیدوار بود.

گزارشگر: جالب است که، در این تظاهراتی که شما اشاره فرمودید، شنیدم بین هفت تا ده‌هزار نفر شرکت کرده‌اند.

داریوش فروهر: بله، قطعاً بیش از پنج‌هزار نفر بودند. حالا ببینید، گاهی وقتها دادن آمار جمعیت دقت بیشتری می‌خواهد؛ ولی در گزارشی که من داشتم، سخن از بیش از پنج‌هزار نفر بوده در ظرف نیم ساعت پس از این رویداد؛ و آن جوان شانزده‌ساله - مثل اینکه در آغاز اشتباه گفتم - که با دست‌فروشی زندگی‌اش را می‌گذرانده، از وانت می‌افتد و درمی‌گردد، در ظرف چند دقیقه شاید اجتماع تشکیل می‌شود و جاده را می‌بندند و تظاهر بر ضد

کردارهای زشت سردمداران جمهوری اسلامی می‌کنند.

گزارشگر: می‌شود گفت، با توجه به اتفاقی‌هایی که افتاده و الان شما اشاره کردید به آن‌ها، که دائماً در این گوشه و آن گوشه‌ی مملکت خبر از این تظاهرات و این اعتصابات هست، ما یک وضعی شبیه شب‌های انقلاب پیدا کرده‌ایم؟
داریوش فروهر: نه، زودتر از این است که بگویم به وضعی همانند شب‌های انقلاب؛ برای اینکه آنجا به هر حال یک همبستگی به طور نسبی شکل گرفته و یک فراگیری بود و، در هر صورت، یک رهبری در بیرون کشور بود که از زاویه‌ی امن می‌توانست قاطع حرف بزند. اما اکنون ما از این چیزها دور هستیم و، با افسوس بسیار، چهره‌ها و سازمان‌های سیاسی هم که داعیه‌ی ناسازواری با جمهوری اسلامی را دارند این ناسازواری‌شان یکسان و همانند نیست؛ و به این ترتیب ما از آن همبستگی، که شما از آن یاد کردید، دور هستیم. ولی اینکه در همه جا از خشم همگانی نشانه‌هایی دیده می‌شود درست است. مردم هم از وضع کنونی ناخشنود هستند و هم این فقر سیاه آن‌ها را به هم نزدیک و نزدیکتر می‌کند، شکی ندارم.

گزارشگر: جناب فروهر، آنچه که جالب است و به نظرم یک پدیده است این است که فرصت‌طلب‌ها همه آمدند و در صف ایستاده‌اند؛ یعنی کسانی الان دارند کوس تحول را به صدا درمی‌آورند که خودشان کشاندن ایران به دوران سقوط و سرکوب مردم و گسترش زندانبانی و غیره را به عهده داشتند، مثلاً آقای خلخالی.

داریوش فروهر: والله، آقای خلخالی را که من فکر می‌کنم باید با چنان چهره‌ی دژمی با او رویه‌رو شد که اصلاً آدم به حسابش نیآورد. من فکر می‌کنم که، اگر در خیابان یک ایرانی او را ببیند، باید چهره درهم بکشد و رو برگرداند و حتی تفی به زمین بیندازد و نه اینکه با او هم‌سخن شود. ببخشید که این چنین گفتم؛ ولی به هر حال، من فکر می‌کنم که این آدم‌ها را باید رها کرد که در میان نفرت همگانی از میان بروند و نایب شوند و یا، در یک هنگام قانون‌مداری کشور به معنی درست کلمه، باید این‌ها پاسخ‌گوی جنایت‌هایی که فراتر از انقلاب انجام دادند باشند.
گزارشگر: جناب فروهر، یکی از مشکلات ما در خارج از کشور این است که شناخت درستی از این گروه‌ها، که الان سروکله‌شان پیدا شده و طرفدار تحول در ایران هستند، نداریم. شما از نیروهایی که می‌شناسید کدام یک به نظر شما اصیل‌ترند و مستقل‌ترند؟

داریوش فروهر: می‌بخشید که از پاسخ به این پرسش طفره می‌روم. من به‌طور کلی می‌توانم بگویم که دو گونه است گفت‌وشنود با این‌ها. یکی جنبه‌ی خبرگیری است، دانشجویی که در یک اجتماع بوده یا کارگری که در یک اعتصاب بوده و یا همین رویداد پل ساوه - در آغاز جاده ساوه - را از آن خبر می‌گیرند و این یک خبرگیری هست و عیبی ندارد؛ ولی من فکر می‌کنم که فرصت نظریه‌پردازی به هر کسی که دو تا سخن ضد دستگاه استبدادی سر داد نباید داده شود و کردارهای گذشته باید سنجیده شود و روی کردارهای گذشته و نیز برداشت‌هایی که از وضع کنونی دارند و شیوه‌ی درگیری که با جمهوری اسلامی دارند، باید توجه کرد و نتیجه‌گیری کرد که چه کسانی به‌راستی رودرروی جمهوری اسلامی هستند و چه کسانی زینت‌بخش بساط دیکتاتوری.

گزارشگر: یعنی در ایران کسانی هستند که زینت‌بخش بساط دیکتاتوری هستند. این‌ها چهره‌های مجاز هستند؟
داریوش فروهر: مجاز که نمی‌توانم بگویم؛ ولی به هر حال برآیند حرکتشان زینت‌بخش دیکتاتوری هست، نه اینکه در راستای برچیدن بساط دیکتاتوری باشند.

گزارشگر: چطور می‌شود آن‌ها را شناخت؟ چه معیارهایی باید داشته باشیم؟ خوب نمی‌شود به صراحت از شما پرسید؛ ولی چطور می‌شود شناخت؟

داریوش فروهر: ببینید، وقتی یک رویداد پیش می‌آید و به توجیه آن می‌پردازند یا فکر می‌کنند که این یک موضوعی است که به اصل نظام و به اصل این یک‌تازی فراگیر ربطی ندارد، این خودش نشانگر است. به نظر من، همهی رویدادها برمی‌گردد به تباهی که در کل نظام جمهوری اسلامی هست. فرض بگیرید الان سخن از انتخاب مجلس خبرگان به زبان می‌آید، کسانی ممکن است وارد این بحث شوند که این شرط باید به وجود بیاید و آن شرط برای انتخابات باید باشد و عنوان کنند که نظارت استصوابی اگر برداشته شود. این حرف ممکن است در زمینه‌ی یک انتخابات دیگر حرف ملی و خواست مردمی باشد؛ اما در مورد مجلس خبرگان، که وظیفه‌اش برگزیدن رهبر یا ولی امر است، این باید برگردد به اینکه آیا کل موضوع مورد پذیرش هست، یعنی این قانون اساسی با این شکل که در آن اصل رهبری گنجانده شده مورد پذیرش هست یا نه. اگر کسانی هستند که خواستار جدایی دین از دولت هستند؛ پس این کسان با این قانون اساسی سازواری ندارند، پس این کسان با نهاد رهبری سازواری ندارند، پس این کسان نمی‌توانند در انتخاباتی برای پدید آوردن مجلسی که تنها کارش این است شرکت کنند. این خیلی روشن می‌شود که کدام به راه درست در راستای مردم‌سالاری حرکت می‌کند، اگر نیرویی بخواهد ملی باشد، باید به پشتیبانی این‌ها برخیزد، و کدام می‌خواهند که طرف بازی درون جمهوری اسلامی باشند، که طبیعی است کسانی که خواستار دگرگونی ریشه‌دار هستند نمی‌توانند که پشتیبانی‌کننده‌ی این زینت‌بخشان دستگاه دیکتاتوری باشند.

گزارشگر: بنابراین برخی به اسم نیروی مخالف وارد صحنه شده‌اند تا این رژیم را نجات بدهند؟

داریوش فروهر: خوب، اینکه به نظر من در کل صحنه‌آرایی این انتخابات و رفتن یک مهره و آمدن یک مهره‌ی دیگر هم طرح بود؛ یعنی خود رئیس‌جمهور کنونی، که بسیار پاکیزه است و خوش‌سخن است و خوش‌نگر است، ولی از آغاز برای نجات نظام به میدان آمده بود و حالا هم با نهایت زیرکی در همان راستای نگاه‌داشت جمهوری اسلامی حرکت می‌کند.

گزارشگر: خوب، جناب فروهر، چاره چیست؟

داریوش فروهر: چاره روشنگری بیشتر و پایداری کسانی که درست می‌اندیشند و برداشت درست از وضع کنونی کشور دارند و می‌خواهند که قاطع به سوی مردم‌سالاری بروند و نه تسلیم‌طلبی می‌کنند و نه سازشگری می‌کنند است. اینان باید پایداری کنند تا، با روشن شدن مردم، آن همبستگی مورد نیاز پدید بیاید.

گزارشگر: سپاس‌گزارم از شما، جناب آقای فروهر.